

آهوی وحشی

هشت مقاله دربارهٔ حافظ

غلامعلی حداد عادل



www.ketab.ir

حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ -	سرشناسه
آهوی وحشی: هشت مقاله درباره حافظ / غلامعلی حدادعادل	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر سخن، ۱۳۹۶.	مشخصات نشر
۳۰۰ ص.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۲۲-۹	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
نمایه.	یادداشت
هشت مقاله درباره حافظ.	عنوان دیگر
حافظ، شمس الدین محمد، ۷۹۲ق -- نقد و تفسیر	موضوع
Hafiz, Shamsoddin Mohamad, 14th Century -- Criticism and interpretation	موضوع
شعر فارسی -- قرن ۸ق -- تاریخ و نقد	موضوع
Persian poetry -- 14th century -- History and criticism	موضوع
PIR۵۴۳۵/ح۴۱۹۱۳۹۶	رده بندی کنگره
۸۱/۳۲	رده بندی دیویی
۴۶۷۲۴۶۳	شماره کتابشناسی ملی



روش و روشها
مقاله‌های علمی و ادبی

آشپزی
و آشپزی

دش مقاله
دائرة حافظ



تألیف غلامعلی حدادعادل

گرافیک، طراحی و اجرای جلد کاوه حسن بیگلر

لیتوگرافی کوثر

چاپ متن دایره سفید

صحافی حقیقت

تیراژ ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول بهار ۱۳۹۶

انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵

دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲



فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	شهره شهر
۶۵	در خلوت شب‌های حافظ
۱۱۱	رند
۱۶۱	حافظ و قرآن
۲۰۱	یادداشت‌هایی بر دیوان حافظ
۲۲۳	بهره نثر فارسی از شعر
۲۴۳	سرِ ارادتِ ما و آستانِ حضرتِ دوست
۲۵۱	آهوی وحشی
۲۹۷	نمایه

پیشگفتار

شش ساله بودم که با حافظ آشنا شدم. چند ماهی بود که دانش آموز کلاس تهیه (آمادگی) مدرسه شیروان شده بودم و چشمم تازه به خط افتاده بود. دوست داشتم زرنوشته‌ای را که می‌بینم بخوانم و بفهمم. ما، یعنی من و پدر و مادر و خواهر کوچک‌ترم، به رسم آن روزگار، در خانه پدر بزرگ زندگی می‌کردیم. مادر بزرگی داشتم که مدیر ارشد آن خانه پرجمعیت بود و اصلاً سواد ندانست اما بسیار فهمیده و با فرهنگ و مهربان بود. پدرم فرزند اول او بود و من سوه اول او. خوشحال بود که من به مدرسه می‌روم و می‌توانم کتاب و روزنامه بخوانم. در خانه مادر بزرگ، غیر از قرآن، یک دیوان حافظ هم بود که از بس خوانده شده بود فرسوده شده بود. مادر بزرگ به شعر علاقه داشت و گه‌گاه مرا زیر کرسی در کنار خود می‌نشاند و کتاب حافظ را از بالای رف، از صندوقخانه‌ای که دری به اتاق نشیمن داشت، می‌آورد و برای خودش فالی می‌گرفت و آن را به دست من می‌داد تا برایش بخوانم. چنین شد که من حافظ خوان شدم. خاطره آن روزها در ذهن

من عزیز و شیرین مانده است. این مادر بزرگ بود که شصت و چند سال پیش نخستین بار پنجره‌ای به سوی باغ بزرگ و پر گل و ریحان شعر حافظ به روی من گشود.

جراغ صاعقه آن سحاب روشن باد که زد به خرمن من آتش محبت او از آن زمان تا امروز، هیچ وقت دست من از دامان حافظ کوتاه نبوده است. سه چهار سال بعد از آن، یک روز پدرم برایم یک دیوان حافظ به قطع سیبی که چک خرید و من از آن روز «صاحب دیوان» شدم! انس و ملاقات من به حافظ و شعر او هیچ گاه قطع نشده است و همیشه خود را به او محتاج و محتاج دیده‌ام.

نخستین بار که دست به قلم بردم و چیزی درباره حافظ نوشتم سال ۱۳۶۶ بود که مقاله «در خلوت شب‌های حافظ» را برای قرائت در همایش بین‌المللی بزرگداشت ششصدمین سال تولد حافظ در شیراز نوشتم. آن مقاله اول بار در مجموعه سخنرانی‌های آن همایش^۱ و بعد از آن در جاهای دیگر منتشر شد. مقاله «حافظ و قرآن» هم حاصل یک سخنرانی است در کنار مزار حافظ که در همان سال‌ها، به مناسبت روز بزرگداشت حافظ (بیستم مهر) در شیراز ایراد شد. یادداشت‌های آن سخنرانی را در چند ماه اخیر پیش چشم بهادام و یک بار دیگر همه دیوان را خواندم و مقاله‌ای نوشتم. مقاله «رند» برای دانشنامه جهان اسلام نوشته شده و در جلد بیستم آن مجموعه به

(۱) «در خلوت شب‌های حافظ»، در: سخن اهل دل: مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت ششصدمین سال تولد حافظ. گردآورنده: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، [به کوشش عبدالحسین زرین‌کوب]، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۹۹-۳۲۸.

چاپ رسیده است.^۱ مقاله «سر ارادت ما و آستان حضرت دوست» به شادروان احمد احمدی بیرجندی تقدیم شده و در یادنامه آن استاد عزیز منتشر شده است.^۲ از مجموع هشت مقاله این کتاب، مقالات «آهوی وحشی» و «شهره شهر» و «یادداشت‌هایی بر دیوان حافظ» و «بهره نثر فارسی از شعر: مطالعه موردی ترجمه‌ای از قرآن ک.م.»، همه، جدیدند و برای درج در این مجموعه نگاشته شده‌اند. «یادداشت‌هایی بر دیوان حافظ» به دکتر محمدجعفر یاحقی تقدیم شده و قرآن استاد در جشن‌نامه ایشان نیز به چاپ رسد. «شهره شهر» حاوی دیدگاهی نلی درباره حافظ و افکار و اشعار اوست و، به همین جهت، آن را در آغاز این مجموعه آورده‌ایم و «آهوی وحشی» شرح یک مثنوی کمابیش فراموش شده حافظ است که نخستین بار به سراغ آن رفته‌ایم. این مقاله که نام کتاب آن گرفته شده در پایان کتاب آمده است.

در فراهم آمدن این مقالات و صورت‌بندی این کتاب، از کمک‌های آقای ایرج فرجی برخوردار بوده‌ام که این من دانم از ایشان سپاسگزاری کنم. از جناب آقای علی اصغر علمی، مدیر انتشارات سخن، هم تشکر می‌کنم. امیدوارم آنچنان که من خود ده‌ها سال است کام جان خویش را با حلاوت اشعار حافظ شیرین کرده‌ام، خوانندگان

(۱) «رند»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۴، ج ۲۰، ص ۳۴۷-۳۵۴.

(۲) «سر ارادت ما و آستان حضرت دوست: شرحی مختصر بر غزلی از حافظ»، در: از شمار دو چشم... یادنامه استاد احمد احمدی بیرجندی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵-۱۵۰.

کتاب نیز شیرین‌کام شوند. برای حسن ختام بخشیدن به این پیشگفتار، فالی از حافظ گرفتم، این غزل آمد:

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم	هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم
شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا	بر منتهای همت خود کامران شدم
ای گلبن جوان بر دولت بخور که من	در سایه تو بلبلِ باغِ جهان شدم
دل نه تحت و فوق وجودم خبر نبود	در مکتبِ غم تو چنین نکته‌دان شدم
قسمت حوالتم به خرابات می‌کند	چندان که اینچنین شدم و آنچنان شدم
من پیرِ سال و سالِ نیم، یار بی وفاست	بر من چو عمر می‌گذرد، پیر از آن شدم
زان روز بر سرم در من گشوده شد	کز ساکنانِ درگاهِ پیرِ مغان شدم
در شاهراهِ دولتِ سران به دستِ بخت	با جام می به کام دلِ دوستان شدم
از آن زمان که فتنه چو آب بر من رسید	ایمن ز شرِ فتنه آخر زمان شدم
دوشم نوید داد عنایت که حفظا	باز آ که من به عفو گناهت ضمان شدم

غلامعلی حدّاد عادل

۱۳۹۵/۱۲/۲۱